

۱۰ خرداد ۱۳۹۸ - شماره: ۱۲۰

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

اثر قرمز

نویسنده مقاله:

محسن حسینی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا، اقدامی هدفمند و تحریک‌آمیز از سوی ایالات متحده و آغازی برای دومینوی جنگ لفظی میان مقامات ارشد ایران و آمریکا بود که با تحرکات نظامی و اقدامات خصمانه‌ی منطقه‌ای نیز همراه شد؛ اقداماتی مانند اردو کشی تسلیحاتی آمریکا با انتقال دو ناو جنگی و چند فروند بمب افکن بی ۵۲ به منطقه و استقرار سیستم دفاع موشکی پاتریوت از یک طرف و بارگیری موشک‌ها در شناورهای نظامی ایران به انضمام لاف‌های فرماندهان سپاه درباره‌ی غرق کردن ناوهای آمریکا در عرض ۵۰ ثانیه و سخن‌سرایی از موشک‌باران قایق‌های تندروی ایرانی، از طرف دیگر! در این میان، رویدادهایی مانند انفجار نفتکش‌ها در بندر فجیره، فارغ از آنکه مسؤولیتش بر دوش کدام طرف باشد، بر التهاب مناسبات منطقه‌ای افزوده است.

برخی این تنش‌ها و تحرکات را گونه‌ای آرایش جنگی و در واقع، گام قبل از جنگ تلقی می‌کنند و درباره‌ی وقوع زود هنگام جنگ هشدار می‌دهند، اما عده‌ای دیگر آن را صرفاً یک چانه‌زنی سیاسی و جنگ روانی برای باز کردن باب گفتگو می‌شمارند؛ نزاعی که برای تأثیرگذاری بیشتر بر روی حریف - به قول معروف - پیاز داغش زیاد شده و تهدیدات نظامی هم به عنوان چاشنی به آن اضافه شده است!

اما خطر جنگ، خواه گونه‌ای گروگان‌گیری افکار عمومی و بحران‌سازی جعلی و خواه سرنوشتی محتوم و خطری نزدیک به شمار آید، در هر صورت به نظر می‌رسد که روابط ایران و آمریکا، در نتیجه‌ی

قلدری آمریکا و گفتمان جاه‌طلبانه و مستکبرانه‌ی دونالد ترامپ و وابستگی شدید او به صهیونیست‌ها از یک سو و عدم بصیرت و کفایت سیاسی حاکمان ایران، توهّمات توسعه طلبانه‌ی آنان در طول ۴ دهه‌ی گذشته (همچون صدور انقلاب و نهادینه‌سازی ولایت فقیه در جهان اسلام) و نیز اقدامات غیر ضروری و تنش‌زایی مانند حمله به سفارت آمریکا و تسخیر آن از سوی دیگر، وارد فاز جدیدی از تقابل شده است. لکن افق منازعه‌ی میان این دو کشور اعم از اینکه نظامی یا غیر نظامی باشد، در هر صورت بی‌ثبات کننده و فاجعه‌آفرین است؛ خصوصاً برای مردم ایران که همین روزها نیز پیامدهای سوء و مخرب این کشمکش را در متن زندگی و اوضاع معیشتی خود احساس می‌کنند.

با عنایت به آنچه در جریان است به نظر می‌رسد معمای «نه جنگ، نه مذاکره» در کنار تحریم‌های خردکننده‌ی آمریکا، بن‌بستی است که به رغم فرافکنی و خودفریبی حاکمان ایران به وجود آمده و امید بستن به ادبیات آشتی‌جویانه‌ی اخیر ترامپ به عنوان شخصیتی مذبذب و متلون، عاقلانه نیست؛ زیرا به احتمال زیاد حربه‌ی جدید و سناریوی فریبکارانه‌ی دیگری برای واداشتن ایران به مذاکره در شرایطی نابرابر است و در این میان، میانجی‌گری شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن هم کاری از پیش نمی‌برد؛ مگر در صورتی که آمریکا دست از تحریم و نقض برجام یا ایران دست از برنامه‌ی موشکی و مقاومت در برابر مذاکره با آمریکا بردارد که هر دو بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسند. از همین رو، واسطه کردن ژاپن برای رساندن پیام آمریکا به ایران، با عنایت به بی‌سابقه بودنش، ناخودآگاه این احتمال را به ذهن می‌رساند که منظور ترامپ از این کار، کنایه‌ای به ایران باشد مبنی بر آنکه اگر می‌خواهد تهران و قم، هیروشیما و ناکازاکی دوم نشود، پای میز مذاکره بیاید!

اما در مقام بیان راهکار، به عقیده‌ی نگارنده، رهبران ایران باید تکبر و لجاجت را کنار بگذارند و به جای شعارهای واهی و عوام‌فریبانه، این واقعیت را بپذیرند که رمق کافی و توان لازم برای تحمل فشارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا را ندارند و اگر اهرم نظامی هم به این فشارهای ظالمانه افزوده شود، به زودی از هستی ساقط می‌شوند و ایران و مردمش را به بحرانی عمیق و فروبرنده گرفتار می‌کنند. این واقع‌گرایی گام اول برای نجات آنان است.

در وهله‌ی دوم باید عنایت داشت که رهبران ایران همواره خود را معتقد به امام مهدی و منتظر ظهورش می‌خوانند و با داعیه‌ی نیابت از سوی او بر سر کار آمده‌اند و حکومت می‌کنند!! حال، زمان آن فرا رسیده است که صداقت و حسن نیت خود را نشان بدهند و نقشی واقعی و ملموس برای آن حضرت در معادلات سیاسی و داخلی خود قائل شوند و او را به عنوان رهبری مقتدر و حاکمی صالح، مدبر و توانا به رسمیت بشناسند؛ رهبری که می‌تواند مانند آنان با حمایت و پشتیبانی اقشار مختلف جامعه و بسیج نیروهای مردمی به حکومت برسد و قدرت را در دست بگیرد؛ رهبری که همواره آماده‌ی تشکیل حکومت و مناسب‌ترین گزینه برای آن بوده است، ولی مردم او را نادیده گرفته‌اند و به جای او به حاکمان دیگر مراجعه کرده‌اند؛ رهبری که مناسبات کنونی منطقه و جهان را بهتر از حاکمان ایران می‌شناسد و با تکیه بر بصیرت و درایت خدادادی خویش بهتر از آنان

می‌داند چگونه بر بحران‌های منطقه‌ای فائق آید و با تهدیدهای غرب و شرق مقابله کند؛ رهبری که جهان اسلام را بهتر از رهبران ایران می‌شناسد و متقابلاً مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی او را بیشتر از رهبران ایران قبول دارند، بلکه خود را پیرو و منتظر حکومت او می‌شمارند؛ رهبری که می‌تواند به مثابه‌ی ریسمان نجات، همه‌ی مسلمانان را به گرد یکدیگر جمع کند و آنان را از چاه ذلت و مسکنتی که به آن دچار شده‌اند بیرون آورد؛ رهبری که پتانسیل و توانایی آن را دارد که جهان اسلام را علیه جهان کفر متحد نماید و نیروی خفته و ناشناخته‌ی مسلمانان در اقصی نقاط جهان را بیدار گرداند؛ رهبری که خداوند، پیروزی او و حزبش و تحقق عدالت مطلقه‌ی جهانی به دست او را تضمین کرده است. اما تحقق حکومت او در گرو همبازی مردم و تشکیل جبهه‌ای مردمی برای حمایت و حفاظت از او است تا این گونه سنت همیشگی خداوند جریان یابد و حق انتخاب مردم نقض نشود. این، نکته‌ی محوری و تعیین کننده‌ی است که تا امروز مورد غفلت عمیق و عجیب مسلمانان قرار گرفته بود، اما به برکت روشنگری‌های عالمی بزرگ در خراسان، یادآوری و آشکار شد.

این در حالی است که امروز کثیری از مخالفان سیاسی حکومت ایران و به اصطلاح اپوزیسیون خارج‌نشین، با بزدلی و وقاحت تمام، پیشنهاد تسلیم در برابر آمریکا و کوتاه آمدن در مقابل خواسته‌های آن را مطرح می‌کنند و عده‌ای از محافظه‌کاران و نظامیان در داخل با حماقت و تهوّر وصف‌ناشدنی، برای آمریکا شاخ و شانه می‌کشند و آتش جنگ را شعله‌ور می‌کنند. اما راهکاری که امروز حضرت علامه «منصور هاشمی خراسانی» حفظه الله تعالی در کتاب شریف «هندسه عدالت» مطرح فرموده است راهکاری عزتمندانه، معقول و مؤثر است؛ زیرا کار را از ریشه سامان می‌دهد و معضل غامض و بغرنج «ظاهر نبودن مهدی» را حل می‌کند و کلید ظهور او و بهره‌مندی امت اسلام از حکومت عدل او را به دست می‌دهد. تردیدی نیست که تنها راه برون‌رفت از بن‌بست مرگبار و بحران‌های بنیان‌کنی که امروز دامان ایران را گرفته و همچون گردابی هائل آن را به درون خود می‌کشد، تحقق حاکمیت کسی است که از حاکمان کنونی ایران شایسته‌تر، آگاه‌تر و تواناتر باشد و او کسی جز «امام مهدی» نیست و او به آسانی و با حمایت مردم سر کار می‌آید.

آنچه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی برای رفع بحران پیشنهاد می‌دهد، مبتنی بر یک نگرش «عینی» و «معقول» به مهدی است؛ نگرشی که تشکیل حکومت او را امری «ممکن» و «قابل دسترس» می‌شمارد و بار اصلی آن را بر دوش مردم و بیداری و تحرّک آنان می‌نهد. طبیعی است که اگر حاکمان ایران، دست از لجاجت و ماجراجویی در این برهه‌ی حسّاس بردارند و حبّ قدرت و ریاست را کنار بگذارند، دعوت این عالم دلسوز را اجابت می‌کنند و نگرش صحیح و اصیل او به «مهدی» را می‌پذیرند و آن را میان مردم ترویج می‌دهند و گام‌های عملی مهمّی را برای زمینه‌سازی ظهور بر می‌دارند، اما در صورتی که کماکان بر خر شیطان سوار باشند و از اقتدار پوشالی خود بلافند و به جای یاری زمینه‌ساز ظهور مهدی، با او بستیزند، دیری نمی‌پاید که پیمانه‌ی خشم الهی را لبریز می‌کنند و با ذلت و حقارت، به دست همین کافران مستکبر تار و مار می‌شوند و اقتدار و آبرویی برایشان نمی‌ماند؛ همچنانکه فرموده است: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره / ۲۵۱)؛ «و اگر

خداوند، بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، زمین را فساد فرا می‌گیرد، ولی خداوند به جهانیان لطف و احسان دارد».

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «بازگشت به اسلام؛ خاری در چشم طاغوت پرستان متعصب»
۲. مقاله‌ی «یادداشتی از سر دغدغه؛ اندر حکایت جنجال تاریخی و ناتمام شیعه و سنی!»
۳. نکته‌ی «نظریه‌ی ولایت مطلقه‌ی فقیه؛ بدعت فقهی فقه‌های آخر الزمان یا بن‌بست مشروعیت؟!»
۴. مقاله‌ی «به بهانه‌ی پیش‌رفت یا پس‌رفت منتقدین نهضت بازگشت به اسلام»
۵. مقاله‌ی «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»
۶. مقاله‌ی «مهدی شیعه و مهدی سنی؛ تمایزی بی‌پایه و موهوم»
۷. مقاله‌ی «مصادق‌شناسی موانع شناخت»
۸. مقاله‌ی «کاندیدای فراموش شده»
۹. مقاله‌ی «بن‌بست مشروعیت»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.
لینک مطلب فوق صفحه فیسبوک پایگاه صفحه کانال تلگرام پایگاه